

بررسی عوامل موثر بر مشارکت مردم در انتخاب دوره نهم و دهم مجلس شورای اسلامی در شهرستان بیرجند

محمد زنگوئی دوم

۱- دانشجو کارشناسی ارشد، گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور واحد هشتگرد، البرز، ایران

چکیده

مشارکت سیاسی و چگونگی دخالت مردم در تصمیم گیری های سیاسی و اداره جامعه از جمله مباحثی است که در سراسر تاریخ اندیشه سیاسی از قرن ها قبل از میلاد مسیح تا به امروزه چشم می خورد. یکی از مصادیق بارز مشارکت سیاسی مردم یک جامعه، شرکت در انتخابات مختلف یک کشور می باشد که از مسایل مطرح در جغرافیای سیاسی، جغرافیای انتخابات می باشد. جغرافیای انتخابات اولین بار در سال ۱۹۱۳ توسط دانشمند فرانسوی اندره زیگفرید مطرح شد. مشارکت سیاسی، به طور معمول به دامنه دسترسی شهروندان به حقوق دموکراتیک معمول در فعالیت سیاسی اطلاق می شود که از لحاظ قانونی استحقاق آن را دارند. مشارکت انتخابات، شامل فعالیتهای اختیاری صورت گرفته توسط توده مردم برای تأثیر بر سیاست عمومی است. این تأثیر ممکن است مستقیم یا به انتخاب شخصی باشد که سیاستگذاری می کند. فعالیت هایی شامل رأی دادن در انتخابات از این جمله اند. برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه و وجود رقابت سیاسی، یکی از وجوه دموکراسی و مشروعیت نظامهای سیاسی محسوب می شود. این مقوله در جوامع در حال گذار، اهمیت دوچندان دارد. انتخابات و مبارزات انتخاباتی، یکی از شاخص های مهم نظام مردم سالار است که در بطن آن، دو عنصر تداوم و تغییر پرورش می یابد. لذا در این پژوهش به بررسی عوامل موثر بر مشارکت مردم در انتخاب دوره دهم، یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری در شهرستان بیرجند خواهد پرداخت؛ این پژوهش به لحاظ هدف و ماهیت از رویکرد کاربردی برخوردار است. همچنین این تحقیق از نظر روش شناسی بر مبنای راهبرد کیفی-پیمایشی از نظر زمانی از نوع پژوهش تک مقطعی و از نظر گردآوری داده ها، جزو تحقیقات میدانی است. جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش در برگیرنده مردم شهرستان بیرجند که می توانند در انتخابات شرکت نمایند. جمعیت این شهرستان ۲۰۳۶۳۶ نفر می باشد که بدین ترتیب برحسب جدول نمونه گیری مورگان ۳۸۴ نفر از ساکنان این شهرستان به صورت تصادفی انتخاب خواهد شد.

واژه های کلیدی: مشارکت مردم، انتخابات، ریاست جمهوری، بیرجند.

مقدمه

مفهوم مشارکت^۱ سیاسی مردم پدیده جدیدی است که می توان آن را از تبعات فرعی دولت ملی قلمداد کرد. امروزه تمام رژیم های سیاسی به نحوی از انحاء بر این مفهوم تاکید می کنند. به همین خاطر نمی شود در دنیا رژیمی یافت که برای نظریات مردم بالاخص شرکت در انتخابات احترامی قائل نباشد؛ بنابراین مشارکت سیاسی پدیده ای جهانی است، البته این به این معنا نیست که همه افراد در یک جامعه لزوماً به فعالیت سیاسی می پردازند و یا این که مشارکت سیاسی از نظر شکل یا وسعت در همه جوامع به یک اندازه معمول است، بلکه به این معنی است که این مفهوم در همه جوامع کم تر یا بیشتر یافت می شود؛ و از سوی دیگر میزان مشارکت در هر کشوری نشانگر مورد اعتماد بودن حکومت آن می باشد و بر این نکته تاکید دارد که اعضای فرضی یک جامعه به این نتیجه رسیده اند که بهترین روش برای تاثیر گذاری بر تصمیمات حکومتی، مشارکت در امور سیاسی می باشد. این امر به معنای نهادینه شدن روش مسالمت آمیز در مناسبات دولت - ملت است. دموکراسی، مشارکت سیاسی و هویت جمعی از موضوعات اساسی مورد توجه در جامعه شناسی است یکی از مصادیق مشارکت سیاسی انتخابات می باشد که به سلسله اقدامات و عملیات منسجم و پیوسته ای گفته می شود که ر یک محدوده جغرافیایی مشخص و در زمانی محدود و معین صورت می گیرد و منجر به برگزیده شدن فرد یا افراد یا موضوع یا مرام خاصی از سوی اکثریت مردم می شود و انجام این سلسله اقدامات و عملیات که منجر به این نتیجه می گردد، اصطلاحاً انتخابات نامیده می شود. در این راستا هدف این پژوهش بررسی عوامل موثر بر مشارکت مردم در انتخابات دوره دهم، یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری در شهرستان بیرجند می باشد. تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به عوامل متاثر بر کاهش یا افزایش مشارکت مردم در انتخابات دوره دهم، یازدهم و دوازدهم می باشد.

مطالعات پیشینه تحقیق

مطالعات نشاط و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که بین میزان مشارکت سیاسی فرهنگیان شهرستان ری با متغیرهای مستقل (سن، میزان تحصیلات، وضعیت تاهل، جنسیت، میزان موانع مشارکت سیاسی، میزان اطمینان از تاثیرگذاری، میزان اهمیت مشارکت سیاسی میزان دانش و مهارت سیاسی، میزان ارزشمندی نتایج مشارکت سیاسی) رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.

نتایج تحقیقات جعفری نژاد و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که میزان مشارکت سیاسی زنان مورد مطالعه در فعالیت سیاسی بیش از حد متوسط می باشد و زنان فرهنگی در زمینه هایی چون شرکت در انتخابات مجلس، کسب اطلاعات و اخبار سیاسی، شرکت در راهپیمایی ها بیشترین میانگین پاسخ را به خود اختصاص داده اند؛ اما در زمینه مشارکت سیاسی خاص (عضویت در احزاب، نمایندگی مجلس) کمتر از حد متوسط بوده اند. در این پژوهش مشخص شد که دین، آگاهی و مهارت سیاسی از عوامل مهم مشارکت سیاسی زنان محسوب می شود یعنی در حقیقت هر چقدر آگاهی و مهارت سیاسی زنان بالاتر باشد میزان مشارکت سیاسی آنان نیز بالاتر خواهد بود. متغیر مدرک تحصیلی نیز بر میزان مشارکت سیاسی زنان فرهنگی مورد مطالعه مؤثر بوده است؛ یعنی با بالاتر رفتن مدرک تحصیلی میزان مشارکت سیاسی کاهش می یابد. زنان فرهنگی دارای سنین ۵۱ سال به بالا و افراد مجرد و افراد دارای درآمد زیر دویست هزار تومان دارای مشارکت بالاتری نسبت به سایرین هستند؛ ولی این تفاوت معنادار نیست. همچنین رابطه ی معناداری بین مشارکت سیاسی زنان فرهنگی و متغیرهایی چون رشته تحصیلی، سابقه کار، دوره تحصیلی، محل زندگی آنان مشاهده نشد.

¹ Participation

در تحقیق دیگری تحقیق دیگری تحت عنوان بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر میزان مشخص نمود که بین «مشارکت سیاسی معلمان» آگاهی و مهارت فرد در مورد مشارکت، موانع و محدودیت مشارکت با میزان مشارکت سیاسی افراد رابطه معنی داری وجود دارد [۱].

در مطالعاتی که توسط مرکز افکار سنجی دانشجویان (ایپسا) با عنوان «بررسی نگرش و رفتار انتخاباتی مردم تهران» در آستانه انتخابات هفتم مجلس در سال ۱۳۸۲ در شهر تهران صورت گرفت؛ نتایج نشان داد که عواملی همچون: تأثیرگذاری بر سیاست های نظام و سرنوشت خود، وظیفه شرعی، پایبندی به نظام اسلامی و دفاع از نظام جمهوری اسلامی در مقابل تهدید های خارجی فاکتورها و عوامل انگیزشی برای حضور مشارکتی خود در انتخابات بودند [۲].

امامی (۱۳۸۶) در مطالعه ای به «بررسی نظر سنجی انتخابات هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در میان دانشجویان دانشگاه های تهران» پرداخت. وی مهم ترین دلایل و انگیزه پاسخگویان برای شرکت در انتخابات را مشارکت در سرنوشت کشور و تأثیر رأی من در تصمیمات کلان کشور با (۳۳/۹۴ درصد)، عمل به وظیفه ملی (۳۲/۴۵ درصد) و عمل به وظیفه دینی و شرعی (۲۷/۱۵ درصد) را گزارش داده است.

یوسفی و سلیمانی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «تحلیل احساس اثرمندی سیاسی معلمان. (مورد مطالعه: معلمان شهرستان نیشابور» دریافتند که؛ اثرمندی سیاسی معلمان در بعد درونی کمتر از حد متوسط (۴۸/۹) و در بعد بیرونی کمی بیش از حد متوسط (۵۶/۶) است. ثانیاً حالت دلگرمی سیاسی با ۵۲/۸ درصد فراوانی، رایجترین حالت اثرمندی سیاسی معلمان و پس از آن حالت بی تفاوتی سیاسی با فراوانی ۳۹/۲ درصد قرار دارد. ثالثاً از بین متغیرهای پیشبینی کننده اثرمندی سیاسی، دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی، اثر تعیین کننده تری بر تغییر حالات اثرمندی سیاسی از بی تفاوتی به دلگرمی سیاسی دارند. به طوری هطوری که ۵۸ تا ۷۸ درصد از تغییر حالات اثرمندی، موقوف به تغییر سطح اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی برآورد گردیده است. با آگاهی از قوت و ضعف اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی معلمان، در ۹۲/۳ درصد از موارد حالت دلگرمی و در ۸۴/۲ درصد از موارد، حالت بی تفاوتی سیاسی آنها را به درستی می توان پیش بینی نمود.

جعفری نیا (۱۳۹۱) در مطالعه ای به «بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی در شهر خورموج و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» پرداخته است. نتایج وی مبین آنست که میزان تمایل به مشارکت سیاسی مردان به نسبت زنان بیشتر و با افزایش سطح تحصیلات، میزان تمایل به مشارکت سیاسی نیز افزایش می یافت، همچنین طبقات اجتماعی بالا نسبت به طبقات اجتماعی پایین، تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی داشتند.

جعفریان (۱۳۸۴؛ ۱) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی فرهنگ سیاسی و نظام طایفه ها و میزان مشارکت سیاسی شهر دلفان» ابعاد فرهنگ سیاسی را در مورد میزان مشارکت شهروندان دلفان مورد بررسی قرار داده است. نتایج کار وی نشان می دهد مؤلفه هایی چون خویشاوندی شدید، خشونت گرایی و غارت، به شکل گیری فرهنگ سیاسی خاصی انجامیده که مانع جدی و مهمی بر سر راه توسعه سیاسی محسوب می شود.

در مطالعات مردوخ (۱۳۷۳) برای سنجش «میزان و بررسی شاخصهای مشارکت سیاسی و اجتماعی تحت عنوان مشارکت مردم در فرایند توسعه و طرحی برای سنجش» شاخص های کمیت پذیر مشارکت سیاسی و اجتماعی شامل موارد مشارکت در انتخابات، کارهای داوطلبانه، کارهای خیریه و عضویت در انواع انجمن ها و تجمع ها بیان شده است.

دیانتی نیت (۱۳۸۲) در مطالعه ای به «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان تبریز» پرداخته است. یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل دومتغیره این پژوهش نشان میدهد، متغیرهای عضویت در انجمن های داوطلبانه،

دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، فضای باز سیاسی و رسانه های گروهی با مشارکت سیاسی رابطه معنی داری داشته اند.

حبیب زاده مرودشتی (۱۳۸۲) در پژوهشی به «بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن ها بر مشارکت سیاسی و اجتماعی» پرداخته است. نتایج نشان داد که برای بالا بردن میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی جوانان باید هویت ملی دینی جوانان تقویت شود و همچنین جوانانی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری برخوردار بودند، میزان مشارکت سیاسی - اجتماعی آنها در سطح پایینتری قرار داشت.

هدایتی زاده (۱۳۷۸) در تحقیقی به بررسی «مشارکت سیاسی در ایران معاصر» پرداخته است. بر اساس یافته های این پژوهش می توان گفت به رغم اینکه ساختار نظام جمهوری اسلامی مبانی نظری و عملی مشارکت سیاسی مدنی را جامعه فراهم نموده اما ضعف انسجام درونی و سیستمی جامعه ما در ابعاد پذیرش سیاسی و فرهنگی مشارکتی و شرایط مرحله گذار نظام سیاسی غیردموکراتیک سلطنتی به نظام سیاسی جمهوری اسلامی، موجب شکل گیری سیاسی توده ای شده است.

عبداللهی (۱۳۸۳) در مطالعه ای با عنوان «زن و نهادهای مدنی مسائل موانع و راهبردهای مشارکت زنان مدنی زنان در ایران» به این نتیجه رسید که، پایین بودن میزان مشارکت مدنی شهروندان ایران به ویژه زنان را یکی از مسائل اساسی جامعه در حال گذار امروزی ایران دانسته است.

مطالعاتی که توسط دواس و هیوز (۱۹۷۱) در زمینه «بررسی تأثیر زمینه های فردی و خانوادگی دانش آموزان بر نگرش سیاسی آنها» در آمریکا صورت گرفت، نتایج حاصله مؤید آنست که قشر پسران در مقایسه با دختران تمایل بیشتری به مشارکت سیاسی در انتخابات دارند. همچنین بین طبقه اجتماعی دانش آموزان و فعالیت های سیاسی آنها رابطه معنی داری وجود نداشت، این مطلب برای پسران طبقه متوسط در تقابل با طبقه کارگر نیز صادق بود.

مطالعات لایگلی^۲ (۲۰۰۳) نشان داد که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می شود. وی نتیجه گرف که بحث با دوستانی که به سیاست علاقه مند یا به فعالیت سیاسی می پردازند، می تواند در یادگیری فرد به فعالیت در امور سیاسی کمک کند.

مطالعات نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸) نشان داد که میزان مشارکت سیاسی در بین طبقه متوسط به پایین در شهرستان خدابنده متوسط به پایین است. همچنین بین متغیرهای جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام گرایی، آینده نگری، بیگانگی اجتماعی - سیاسی اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه های گروهی، تقدیر گرایی با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی - سیاسی رابطه ۹۹ درصد وجود دارد.

مطالعات هاشمی و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که با اطمینان بیش از ۹۹ درصد می توان گفت که هر یک از متغیرهای سن، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، انعطاف مذهبی، درجه مذهبی بودن، رضایت از زندگی، آزادی سیاسی، مشروعیت سیاسی، اعتماد سیاسی، دوستان سیاسی، فATALISM^۳ (سرنوشت گرایی) احساس کارآمدی و اثر بخشی سیاسی، احساس بی قدرتی سیاسی، بیگانگی سیاسی، پخش مسئولیت، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، دوری گزینی سیاسی، استفاده از رسانه ها، اعتماد اجتماعی، رضایت از عملکرد دولت، محتوای شعارهای کاندیداها، داشتن فراغت در روز انتخابات، ثبات در گرایش حزبی، اهمیت نتایج انتخابات، اهمیت نظارت اجتماعی، رابطه و همبستگی معناداری با میزان مشارکت سیاسی دارد.

² Liple

³ Fatalism

مایکل راش عقیده دارد که شواهد فراوانی وجود دارد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح، بر اساس پایگاه اقتصادی، اجتماعی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، منطقه و مکان سکونت، شخصیت، محیط سیاسی یا زمینه ای که مشارکت در آن اتفاق می افتد، متفاوت است [۳]. ال.دی. ال.شت؛ ضمن تأکید بر متغیرهای درآمد، شغل، تحصیلات و مجموع شاخص های پایگاه اقتصادی و اجتماعی با شهرنشینی، عضویت سازمانی مؤثر در میزان مشارکت سیاسی افراد گویای آن است که سواد یکی از متغیرهای بسیار قورتمند و مؤثر بر میزان مشارکت است [۴]. امام جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۱)؛ در پژوهشی به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان پرداخته اند. نمونه آماری این پژوهش را ۱۸۸ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان تشکیل داده اند. نتایج نشان می دهد که بین ابعاد سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان همبستگی معناداری وجود دارد.

مفاهیم نظری پژوهش

الگوی نظری تحقیق

با توجه به بررسی مطالعات انجام شده در قسمت بالا الگوی نظری زیر در نظر گرفته شده است. همانطور که شکل زیر نشان می دهد، بین متغیرهای مستقل فردی، اقتصادی، اجتماعی و ارتباطی با متغیر مشارکت سیاسی فرهنگیان رابطه وجود دارد. اما، بین سایر متغیرها رابطه ای وجود ندارد. الگوی نظری زیر روابط بین این متغیرها را به وضوح نشان می دهد.



انتخابات و رفتارهای انتخاباتی

مسأله انتخابات و تحلیل رفتار انتخاباتی مردم در یک کشور یا یک منطقه جغرافیایی به عنوان یک رفتار سیاسی از مباحث مهم در جغرافیای سیاسی است، که البته توجه اندیشمندان مختلف علوم سیاسی، جامعه شناسی و روانشناسی را نیز جلب کرده است [۵]. در مشارکت سیاسی مسأله این است که چه عواملی مردم را به شرکت در انتخابات بر می انگیزاند اما در بحث رفتار شناختی رأی دهندگان پرسش این است، که چه عاملی باعث می شود رأی دهندگان به این تصمیم برسند که به حزب یا شخص خاص رأی دهند.

الگوهای رفتاری انتخاباتی

با توجه به اینکه رفتار رأی دهندگان چند وجهی است و تحت تأثیر عوامل مختلفی صورت می گیرد الگوهای مختلفی درباره تحلیل رفتار رأی دهندگان توسط محققان ارائه شده است. این الگوها را می توان در سه جریان عمده خلاصه کرد:

(۱) الگوهای جامعه شناختی تحلیل رفتار رأی دهندگان

- (۲) الگوهای روانی - سیاسی تحلیل رفتار رأی دهندگان
(۳) الگوهای آرمانی - عقلانی تحلیل رفتار رأی دهندگان
الگوی جامعه شناختی و تحلیل رفتار رأی دهندگان

نظریه های جامعه شناختی مشارکت سیاسی، برخلاف نظریه های روانشناسانه که بر سطح تحلیل فردی توجه دارند، مبنای تحلیل را عوامل یا ساختارهای اجتماعی در نظر می گیرند. آلموند و پاول معتقدند ساختارهای سیاسی بسترهای انجام فعالیتهای سیاسی افرادند. امروزه شهروندان تحت پوشش شبکه هایی از مقررات قرار دارند. در واقع، همه نقش های عمده اجتماعی و اقتصادی در جوامع امروزی به نحوی با مقررات حکومتی در ارتباط است. لذا مشارکت شهروندان بیانگر نحوه بهره برداری شهروندان واجد شرایط مشارکتی از فرصت هایی است که حکومت ها در اختیار آنها قرار می دهند [۶].

الگوها و معیارهای رفتار اجتماعی در مشارکت مردم در انتخابات

بررسی رفتار حاکم برکنش سیاسی مردم ایران به ویژه در انتخابات همواره مدنظر فعالان و تحلیلگران عرصه سیاست و اجتماع بوده و تحلیل ها و نظریه های مختلفی در این زمینه از سوی آنها ارائه شده است. در سالهای پس از انقلاب به علل گوناگون از جمله شرایط سیاسی سالهای ابتدایی انقلاب، وقوع جنگ و مشکلات اقتصادی بعد از جنگ، عدم تمایل مردم به بیان مطالبات سیاسی خود و اعتماد بالای مردم به مسئولان و علل زیاد دیگر، موجب شد نگاه مردم به انتخابات، نگاه چندان سیاسی نباشد (بایی لاشکی و پیشگاهی فرد، ۱۳۸۸؛ ۴). در این دوران وجود دشمنان مشترک برای همه ایرانیان نوعی همبستگی و مسئولیت پذیری را در میان آنان ایجاد کرد و موجب حضور قوی در همه عرصه ها شد یکی از این عرصه ها انتخابات بود [۷].

الگوی روانی - سیاسی تحلیل رفتار رأی دهندگان

این دیدگاه تاکید زیادی بر ویژگی های فردی و انگیزه های شخصی دارد. براساس این دیدگاه القای وابستگی حزبی از خانواده به فرزندان از زمان کودکی و نوجوانی موجب می شود تعلقات حزبی در فرد تثبیت شود [۸].

مدلهای روانشناسی مشارکت سیاسی

این رویکرد بیشتر متوجه ویژگی شخصیتی و روانی افراد همانند احساسات تمایلات، نگرش ها و گرایش هاست. سوال اصلی در تبیین های روان شناسانه این است که چرا همه افرادی که تحت تاثیر محرک های محیطی یکسانی قرار می گیرند رفتار های متفاوتی از خود نشان می دهند. در مورد مشارکت سیاسی نیز اوضاع به همین گونه است و در شرایط محیطی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یکسان، افراد رفتار سیاسی متفاوتی از خود بروز می دهند. بدین ترتیب منشا مشارکت سیاسی در نیاز های روان شناختی افراد نهفته است. از جمله اینکه شخصیت های قدرت طلب تمایل زیادی به مشارکت سیاسی دارند. نفع طلبی یا انتظار پاداش از دیگر ویژگی های شخصیتی است که در مشارکت سیاسی افراد دخیل است. بدین معنی که اگر فعالیت سیاسی همراه با پاداش باشد، این پاداش به عنوان یک محرک مثبت عمل می کند و سبب افزایش عمل سیاسی می شود. همبستگی آماری نیرومندی میان میزان مشارکت سیاسی و اثر بخشی سیاسی یعنی این احساس که فرد می تواند در سیاست ها و خط مشی ها تاثیرگذار باشد، وجود دارد. نظریه ی دال در حوزه تبیین رفتار سیاسی افراد را متعلق به نحله ی رفتارگرایی اجتماعی می داند که ریشه در مفروض های بینش روان شناختی دارد. [۹]. نظریه اثربخشی و اعتماد سیاسی از نظریه های روانشناختی هستند. اثربخشی سیاسی نگرشی است که در اثر آن فرد احساس میکند با مشارکت سیاسی خود بر فرآیندهای سیاسی اثر گذاشته و بر آنها کنترل و نظارت میکند و می تواند از این طریق به ارضای نیازهای خود بپردازد [۶]. نظریه دیگر، نظریه سودمندی مشارکت سیاسی است. بر اساس این نظریه، کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی به این امر وابسته است که آیا مشارکت در رفع نیازهایی از انسان توانمند است یا خیر؟ به عبارت دیگر، انسان ها بر حسب محاسبه سود و زیان دست به اقدام می زنند. افراد پیش از اینکه دست به هر نوع مشارکت سیاسی بزنند عاقلانه بررسی می کنند که آیا از مشارکت سیاسی خاصی برای آنان سودی حاصل خواهد شد یا خیر. مشارکت متوجه آنان شود، از چنان مشارکت سیاسی خودداری می کند، در غیر این صورت وارد میدان مشارکت سیاسی خواهند شد [۳].

از نظر هانتینگتون و نلسون مهمترین عامل توسعه سیاسی در کشورها، همانا مشارکت سیاسی است. آنان مشارکت سیاسی را تابعی از تصمیمات نخبگان حاکم و سیاستهای آنها و یا تابعی از محصول جانبی توسعه می دانند؛ به عبارتی، نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی، اصلاحات اجتماعی و کاهش نابرابریهای اجتماعی اقتصادی و .. مشارکت بخش هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می کنند. [۱۰].

آرمانی - عقلانی تحلیل رفتار رأی دهندگان

این دیدگاه به اثبات عقلانی بودن تصمیم رأی دهندگان می پردازد و معتقد است رأی دهندگان از میان برنامه های اعلام شده کاندیداها آنرا که تأمین کننده منافع آنهاست انتخاب می کنند و وابستگی های حزبی نقش چندانی در رأی دهی آنان ندارد. بنابراین این گزینش کاملاً عقلانی و حساب شده است. از محققان دیدگاه عقلانی، ینای و وربا هستند. کی اعتقاد داشت بر خلاف تئوریهای روانی و جامعه شناسانه، مردم درباره سیاست می اندیشند خصوصاً مردم کشورهای صنعتی در مقایسه با سایر کشورها راجع به سیاست از درک و فهم بیشتری برخوردارند [۱۱].

جمع بندی عوامل مؤثر در رفتار انتخاباتی

در بررسی الگوهای رفتارهای انتخاباتی به دیدگاههای متفاوتی اشاره شد که هر کدام متغیرهایی را برای تحلیل رفتار رأی دهی افراد بیان کردند. آنچه که از مجموع نظرات و دیدگاهها بر می آید اینست که عوامل مختلف و متفاوتی بصورت توأمان در رفتار رأی دهی افراد مؤثرند و تأکید بر یک یا چند عامل نمی تواند بیان کننده علت واقعی انتخاب افراد باشد. می توان برخی از مهمترین عواملی که در این زمینه مؤثرند را چنین برشمرد:

۱. حوزه جغرافیایی سکونت
۲. عضویت در گروههای اجتماعی
۳. خانواده
۴. عضویت در گروههای قومی
۵. وابستگیهای حزبی
۶. ویژگیهای روانی و شخصی فرد
۷. تبلیغات و نقش وسایل ارتباط جمعی [۱۲].

مدلهای جامعه شناختی

بر اساس این نظریات موقعیت و وضعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعیین کننده میزان مشارکت سیاسی افراد و فعالیتهای سیاسی آنان است. به نظر اینگلههارت^۴ صنعتی شدن، شهرنشینی و سواد عمومی، تشکیل اتحادیه های کارگری و احزاب سیاسی توده های را که به حق رأی بیشتر مردم در انتخابات منجر می شود، تسهیل می سازد، سپس آنگاه که تجهیز شناختی صورت پذیرد، مردم نیروی بالقوه فزاینده خود را برای اشکال فعالتر مداخله در تصمیم گیریهای سیاسی توسعه می دهند. وی همچنین به عواملی نظیر وجود یک طبقه متوسط قوی، گسترش مهارتهای مشارکت و همچنین پیدایش هنجارها و نگرش هایی در میان عموم مردم که ضامن نهادهای دموکراتیک هستند، توجه می کند [۷].

بنابراین هدف این پژوهش بررسی عوامل موثر بر مشارکت مردم در انتخابات دوره دهم، یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری در شهرستان بیرجند

اهداف پژوهش

بنابراین در این پژوهش هدف تعیین عوامل موثر بر مشارکت مردم در انتخابات دوره دهم، یازدهم و دوازدهم ریاست جمهوری در شهرستان بیرجند می باشد
در راستای تحقق هدف کلی این پژوهش اهداف فرعی زیر نیز مد نظر قرار خواهند گرفت

⁴ Inglehar

۱- بررسی عامل بیکاری بر میزان مشارکت مردم در دوره های دهم، یازدهم و دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری
۲- مقایسه میزان مشارکت مردم در شهرستان بیرجند و کشور در انتخابات ریاست جمهوری
۳- بررسی عامل مرزنشینی بر میزان مشارکت مردم در دوره های دهم، یازدهم و دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری در شهرستان بیرجند

۴- بررسی تحصیلات بر مشارکت مردم در دوره های دهم، یازدهم و دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری در شهرستان بیرجند
روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف و ماهیت از رویکرد کاربردی برخوردار است. همچنین این تحقیق از نظر روش شناسی بر مبنای راهبرد کیفی-پیمایشی از نظر زمانی از نوع پژوهش تک مقطعی و از نظر گردآوری داده ها، جزو تحقیقات میدانی است.

جمعیت و نمونه

جمعیت مورد مطالعه در این پژوهش در برگیرنده مردم شهرستان بیرجند که می نوانند در انتخابات شرکت نمایند. جمعیت این شهرستان ۲۰۳،۶۳۶ نفر می باشد. که بدین ترتیب برحسب جدول نمونه گیری مورگان ۳۸۴ نفر از ساکنان این شهرستان به صورت تصادفی انتخاب شد

یافته های توصیفی

در این فصل به تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از پاسخگویان پرداخته می شود. نتایج این تحقیق مشتمل بر دو بخش یافته های توصیفی و استنباطی می باشد. در بخش توصیفی به بررسی وضعیت موجود جامعه مورد مطالعه با بهره گیری از مشخصه های آماری همچون توزیع فراوانی، درصد، درصد تجمعی، میانگین، انحراف معیار و واریانس پرداخته شده است. در بخش استنباطی نیز از روش های آماری استنباطی مانند ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن و رگرسیون استفاده شده است. همچنین به بررسی توزیع جامعه از جهت نرمال بودن یا نبودن از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردیده است

تحلیل استنباطی

برای پاسخ به این سوال که چه رابطه ای بین ویژگی های فردی نمونه های مورد مطالعه با مشارکت سیاسی در انتخابات آنان وجود دارد، از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرسون استفاده گردید. لازم به ذکر است که برای تعیین همبستگی بین متغیر های سن و سابقه فعالیت و خدمت با مشارکت سیاسی در انتخابات، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. برای سایر متغیر ها از ضریب همبستگی اسپیرسون استفاده گردیده است. نتایج نشان می دهد که متغیر سن با متغیر وابسته مشارکت سیاسی رابطه مستقیم و معناداری در سطح ۹۵ درصد دارا و متغیرهای مستقل جنسیت، تاهل و تحصیلات با متغیر وابسته مشارکت سیاسی رابطه مستقیم و معناداری در سطح ۹۹ درصد در (جدول ۱ و ۲) آمده است.

جدول ۱. رابطه مستقیم و معناداری متغیر سن با متغیر وابسته مشارکت سیاسی

شاخص	ضریب آلفای کرونباخ
ویژگی های شخصیتی و روانی	۰/۶۸
عوامل انگیزشی و روانشناسی	۰/۷۴
عوامل ساختاری (سیاسی، قانونی و اجتماعی)	۰/۸۲
عوامل اقتصادی	۰/۶۰
عوامل مذهبی، قومی و قبیله ای	۰/۷۱
عوامل نگرش انتخاباتی و سیاسی	۰/۶۴

جدول ۲. همبستگی مشارکت سیاسی با ویژگی های فردی

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سن	۰,۱۱۱	۰,۰۳۰
جنسیت	۰,۱۳۶	۰,۰۰۸
تاهل	۰,۱۵۹	۰,۰۰۲
تحصیلات	۰,۱۳۱	۰,۰۱۰

مشارکت سیاسی در انتخابات با ویژگی های اجتماعی، روانشناختی، اقتصادی و تبعیضات قومی و قبیله ای برای پاسخ به این سوال که آیا بین مشارکت سیاسی در انتخابات با متغیر های اجتماعی، روان شناختی، اقتصادی، ویژگی جغرافیایی قومی و قبیله ای، نژادی، طبقاتی و مذهبی، ارتباطی و نگرش چه رابطه ای وجود دارد، از ضریب همبستگی اسپیرمن برای تعیین رابطه استفاده گردید. نتایج این بررسی در جدول نشان می دهد که مشارکت سیاسی در انتخابات، با تمام شاخص های رابطه مستقیم و معنادار در سطح ۹۹ درصد می باشد (جدول ۳ و ۴).

جدول ۳. همبستگی مشارکت سیاسی در انتخابات با ویژگی های اجتماعی، روانشناختی، اقتصادی و تبعیضات قومی و قبیله ای

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
ویژگی های اجتماعی	۰,۲۹۶	۰,۰۰۰
ویژگی های شخصیتی	۰,۲۸۸	۰,۰۰۰
عوامل انگیزشی و روانشناختی	۰,۳۸۹	۰,۰۰۰
هنجارهای قانونی و رویه ها اجتماعی	۰,۳۸۶	۰,۰۰۰
عوامل اقتصادی	۰,۴۳۶	۰,۰۰۰
ویژگی هژ جغرافیایی قومی و قبیله ای، نژادی، طبقاتی و مذهبی	۰,۴۸۶	۰,۰۰۰
ارتباطی	۰,۶۱۹	۰,۰۰۰
نگرش	۰,۷۲۱	۰,۰۰۰

جدول ۴. یافته های خلاصه شده رگرسیون و میزان تغییرات R2 به منظور تعیین تاثیر هر کدام از متغیرهای وارد شده در

معادله بر میزان تغییرات متغیر وابسته مشارکت سیاسی

Sig	F	T	Beta	B	Adjusted R Square	R Square	R	
۰,۰۰	۴۱۳,۸۷۸	۳۸,۱۷	۰,۴۸۳	۰,۱۹۲	۰,۵۱۹	۰,۵۲۰	۰,۷۲۱	نگرش
۰,۰۰	۴۷۲,۰۱۰	۲۵,۹۰۳	۰,۲۹۹	۰,۱۵۵	۰,۷۱۱	۰,۷۱۲	۰,۸۴۴	ویژگی ها جغرافیایی قومی و قبیله ای، نژادی، طبقاتی و مذهبی
۰,۰۰	۵۷۳,۰۹۹	۲۷,۹۳۱	۰,۳۲۴	۰,۲۴۹	۰,۸۱۸	۰,۸۱۹	۰,۹۰۵	هنجارهای قانونی و رویه ها اجتماعی
۰,۰۰	۸۷۹,۳۶۴	۲۳,۴۴۵	۰,۲۹۷	۰,۱۳۸	۰,۹۰۲	۰,۹۰۳	۰,۹۵۰	عوامل ارتباطی
۰,۰۰	۱,۴۱۱	۱۹,۶۴۳	۰,۲۲۶	۰,۰۵۸	۰,۹۴۸	۰,۹۴۹	۰,۹۷۴	عوامل اقتصادی
۰,۰۰	۱,۲۹۵	۶,۹۶۹	۰,۰۸۶	۰,۰۸۹	۰,۹۵۳	۰,۹۵۴	۰,۹۷۷	ویژگی های شخصیتی
۰,۰۰	۱,۲۲۰	۶,۱۱۷	۰,۰۶۸	۰,۰۳۴	۰,۹۵۷	۰,۹۵۸	۰,۹۷۹	ویژگی های اجتماعی
۰,۰۱	۱,۰۸۲	۲,۴۱۵	۰,۰۲۹	۰,۰۱۹	۰,۹۵۸	۰,۹۵۹	۰,۹۷۹	عوامل انگیزشی و روانشناختی

نتیجه گیری

یکی از حوزه‌های فعالیت بشری که مستلزم تصمیم‌گیری و انتخاب می‌باشد. مشارکت سیاسی است مشارکت سیاسی فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای است که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی و سیاسی سهیم می‌شوند.

جهت تحلیل توصیفی براساس طبقه بندی لکریت برای مقادیر خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد به ترتیب نمرات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ اطلاق گردید و میانگین‌های در بازه‌های (۰,۵ تا ۱,۵ : خیلی کم)، (۱,۵ تا ۲,۵ : کم)، (۲,۵ تا ۳,۵ : متوسط)، (۳,۵ تا ۴,۵ : زیاد) و (۴,۵ تا ۵ : خیلی زیاد) در نظر گرفته می‌شود. بررسی‌ها نشان داد مولفه ساختار و اجتماعی، جغرافیا، شخصیت با میانگین‌های ۳,۲۴، ۴,۱۴، ۳,۸۴ و ۳,۶۴ در حد زیادی و مولفه‌های نگرش، عوامل اقتصادی، انگیزش و ارتباطات با میانگین‌های ۳,۴۱، ۳,۲۴، ۳,۰۷، ۲,۶۰ در حد متوسطی بر میزان مشارکت تاثیر گذار بوده اند. تحلیل استنباطی نشان می‌دهد متغیرهای جنسیت، تاهل و تحصیلات در سطح معناداری ۹۹ درصد و متغیر سن در سطح معناداری ۹۵ درصد با مشارکت سیاسی در ارتباط هستند این بدین معناست که با افزایش و یا کاهش هریک از متغیرها میزان مشارکت افزایش و یا کاهش می‌یابد که این یافته با تحقیقات هاشمیان و فولادیان همراستا است. همچنین ویژگی‌های اجتماعی، شخصیتی، عوامل انگیزشی و روانشناختی، هنجارهای قانونی و رویه‌ها، عوامل اقتصادی، ویژگی‌های جغرافیایی قومی و قبیله‌ای، نژادی، طبقاتی و مذهبی در سطح معناداری ۹۹ درصد با مشارکت سیاسی قرار دارند این بدین معناست که با افزایش و یا کاهش هریک از متغیرها میزان مشارکت افزایش و یا کاهش خواهد یافت. این یافته نیز با تحقیقات سید امامی (۱۳۸۸)، هاشمی و فولادیان (۱۳۸۸)، طاهری و رفیعی (۱۳۹۰) و تیموری، اکبری و نادری (۱۳۹۲) هم راستا است. نتایج آزمون رگرسیون نیز نشان داد متغیرهای نگرش، ویژگی‌های جغرافیایی قومی و قبیله‌ای، نژادی، طبقاتی و مذهبی، هنجارهای قانونی و رویه‌های اجتماعی، عوامل ارتباطی، عوامل اقتصادی، ویژگی‌های شخصیتی، اجتماعی، انگیزشی و روانشناختی تواما ۹۵,۹ و به تفکیک به ترتیب ۵۲ درصد، ۱۹,۲ درصد، ۱۰,۷ درصد، ۸,۴ درصد، ۴,۶ درصد، ۰,۵ درصد، ۰,۴ درصد، ۰,۱ درصد تغییرات در متغیر مشارکت سیاسی را پیش بینی می‌کند. که بیانگر نقش آفرینی بسیار زیاد این عوامل در میزان مشارکت دارد. این یافته با تحقیقات رضی و نقیب زاده (۱۳۷۴)، هم راستا است.

منابع

- [۱] شهرام نیا، سید امیر مسعود و ملانی، صابر (۱۳۹۰). تحلیل تأثیر آگاهی سیاسی معلمان بر شرکت در انتخابات؛ مطالعه موردی: معلمان نواحی (۱) و (۳) اصفهان. پژوهشنامه علوم سیاسی. سال ششم. شماره اول. صص ۱۶۶-۱۳۵.
- [۲] بشیریه، حمید (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی از دیدگاه انسان شناسی و قوم شناسی. تهران: نشر نگاه معاصر. ص ۱۵۷.
- [۳] راش، مایکل (۱۳۸۷). جامعه و سیاست. مترجم: منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت. ص ۱۴۰.
- [۴] جعفری نیا، خورموج (۱۳۹۱). بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج. پژوهشنامه علوم سیاسی. سال هفتم. شماره دوم. صص ۱۲۳-۸۷.
- [۵] جعفریان، مرتضی (۱۳۸۴). بررسی فرهنگ سیاسی و نظام طایفه ای شهر دلفان (با تاکید بر مردان). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران. استاد راهنما: ناصر فکوهی.
- [۶] ایوبی، حجت الله (۱۳۷۷). مشارکت انتخاباتی در : مشارکت سیاسی. به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: انتشارات نشر سفیر. ص ۱۶.
- [۷] بایی لاشکی، مریم و پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۸۸). تحلیل رفتار انتخاباتی ایرانیان (مورد مطالعه: حوزه انتخابیه نوشهر و چالوس در انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی). فصلنامه پژوهشی جغرافیای انسانی. سال اول. شماره سوم.
- [۸] ایوبی، حجت الله (۱۳۷۷). تحلیل رفتار انتخاباتی رأی دهندگان. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۳۶-۱۳۵.
- [۹] عیوضی، رحیم (۱۳۸۲). عبور از استبداد. نشریه زمانه. شماره ۱۵.

- [۱۰] گلابچی، محمد (۱۳۷۵). تحلیل جامعه شناختی از رفتار انتخاباتی کاندیدای دوره چهارم مجلس شورای اسلامی در شهر تهران. دانشگاه تربیت مدرس. پایان نامه رشته کارشناسی جغرافیای سیاسی.
- [۱۱] گلابچی، محمد (۱۳۸۴). نقش پندارهای جناحی در رفتار انتخاباتی. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۲۱۶-۲۱۵.
- [۱۲] حاجی یوسفی، امیر محمد؛ فرازی، مهدی و کیوان آرا، راضیه (۱۳۹۱). انتخابات نهم ریاست جمهوری و پایگاه های اجتماعی در ایران. پژوهشنامه علوم سیا